

Investigating the influence of pre-Manic religions on Manism

Esmail Sepahvand ¹ 

1. Corresponding Author, Lecturer at Farhangian University of Khorramabad, Iran. E-mail: esy.sepah@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24 October 2023

Received in revised form:

16 November 2023

Accepted: 7 December 2023

Published online:

3 January 2024

Keywords:

Mani,
Manism,
Iran,
religion.

ABSTRACT

Mani was an ancient prophet in the land of Babylon who lived in the territory of the Parthian and Sassanid Iranian states and was descended from the Parthian kings on his mother's side. He was born at the end of the Parthian dynasty and experienced his childhood until his death in the Sassanid era in this city. Mani was born in a place that had the right conditions and contexts to bring a comprehensive and universal religion, and after his studies and travels to different lands and regions, he claimed that he was inspired and pretended that he was a prophet. The end of time has been chosen. Mani brought a religion that was derived from the religions and sects before him such as Zarvan, Mehr, Zoroastrian, Christ, Buddha, Sabai and some other examples and by examining these religions, this truth is revealed to us that Mani's religion is a religious religion and it is a compilation that the founder of any religion that traveled to the region of its followers such as India, Asia Minor and other places, or his supporters and missionaries stepped into its territory and intended to attract its followers to their religion, the principles or included a subsidiary. The intended research is also based on the existing evidences and similarities of Manism with religions, religions and monotheistic and non-monotheistic differences before it.

Cite this article: Sepahvand, E. (2023). Investigating the influence of pre-Manic religions on Manism. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 7 (2), 69-87. DOI: 10.22111/jrm.2024.47004.1145



© The Author(s).

DOI: 10.22111/jrm.2024.47004.1145

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

بررسی تأثیر ادیان و مذاهب و فرق پیش از مانی بر مانویت

اسماعیل سپهوند^۱

۱. نویسنده مسئول، مدرس دانشگاه فرهنگیان خرم آباد، ایران. رایانامه: esy.sepah@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۸/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳</p> <p>واژه‌های کلیدی: ادیان، مذاهب، فرق، کیش، آیین، مانی، مانویت، ایران.</p>	<p>مانی پیامبری باستانی در سرزمین بابل بود که در قلمرو دولت‌های ایرانی اشکانی و ساسانی می زیست و از جانب مادر نسب از پادشاهان اشکانی داشت. وی در اواخر سلطنت اشکانیان متولد شده و دوره کودکی تا مرگ در عصر ساسانیان را در این گیتی تجربه نمود. مانی در مکانی به دنیا آمد که برای آوردن یک دین جامع و جهان شمول شرایط و زمینه‌های مناسبی داشت و بعد از مطالعات و سفرهایی که به سرزمین‌ها و مناطق مختلف داشت مدعی شد که به وی الهام شده و چنین وانمود کرد که به عنوان پیامبر آخر الزمان برگزیده شده است. مانی به عنوان یک پیامبر ایرانی دینی آورد که برگرفته از ادیان و مذاهب و فرق قبل از وی مانند زروان، مهر، زرتشت، مسیح، بودا، صابئی و چند نمونه دیگر بود و با بررسی آیین‌ها، ادیان، مذاهب و فرق ذکر شده این حقیقت بر ما آشکار می شود که دین مانی یک دین اتقاطی و تلفیقی است که مؤسس آن در هر دینی که به منطقه پیروان آن مانند هندوستان، آسیای صغیر و سایر نقاط سفر می کرد و یا هواداران و مبلغان او به قلمرو آن قدم می گذاشتند و قصد داشتند تا پیروان آن را به آیین خود جذب کند، اصول یا فروعی را بر می گرفت. تحقیق مورد نظر نیز با تکیه بر شواهد و شباهت‌های موجود مانویت با آیین‌ها، مذاهب و فرق توحیدی و غیر توحیدی قبل از خود صورت گرفته است.</p>
<p>استناد: سپهوند، اسماعیل (۱۴۰۲). بررسی تأثیر ادیان و مذاهب و فرق پیش از مانی بر مانویت. <i>مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی</i>، ۷ (۲)، ۸۷-۶۹. DOI: 10.22111/jrm.2024.47004.1145</p>	
<p>ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان</p> <p>© نویسنده گان.</p>	



مقدمه

مانویت یکی از آیین‌های مهم و تأیرگذار بر زندگی بشر در پهنه وسیعی در آسیا، آفریقا و اروپا بود که از زمان ظهور پیامبر آن یعنی مانی تاکنون هنوز تأثیر آن به مراتب دیده می‌شود. مانی با این ادعا که خاتمیت پیامبران را دارد به‌جز آیین یهود و آن هم به‌دلیل دنیاپرستی‌اش که با زهد و رهبانیت آیین مانویت سرسازش نداشت؛ دین خود را کامل‌ترین دین می‌دانست و از ادیان و مذاهب و فرق مانند آیین‌های ایران باستان یعنی زروان و زردشت و بودایی و هندی و مسیحیت که در جهان آن روز در ایران و بین‌النهرین و شامات و چین و هند مسلط بودند تأثیر و تأثیراتی گرفته و از برخی اصول و از بعضی فروع آنها را گرفته و در دین خود ادغام کرد. تاکنون تحقیقات بسیار و ارزنده‌ای راجع به مانی و مانویت به‌صورت کتاب از جمله «ارزش میراث صوفیه» اثر عبدالحسین زرین کوب (۱۳۴۴)، «ایران در زمان ساسانیان» تألیف آرتور کریستن‌سن، ترجمه غلامحسین رشیدیاسمی (۱۳۴۵)، «اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان» نوشته عبدالعظیم رضایی (۱۳۷۲)، «آیین گنوسی و مانوی» نوشته میرچا الیاده، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور (۱۳۷۳)، «مانی و دین او» اثر حسن تقی‌زاده (۱۳۷۹)، «تاریخ ایران باستان» تألیف اردشیر خدادادیان، جلد دوم (۱۳۸۳)، «ادیان آسیایی» نوشته مهرداد بهار (۱۳۸۴)، «زندیق و زندیق» تألیف سیدسعیدرضا منتظری (۱۳۸۹)، «مانی» نوشته گئو ویدن گرن، ترجمه فیروز فیروزنیا، (بی‌تا) و مقاله مانند «مبانی عقاید گنوسی در مانویت» اثر شکری فومشی (۱۳۸۲)، «یادکردهای دین زرتشت در متون مانوی» نوشته آبراهام ویلیامز جکسون ترجمه داریوش احمدی (۱۳۸۳)، «مانی و سیر گسترش مانویت»، تألیف امیر اکبری (۱۳۸۶)، «زروان‌باوری در کیش مانوی» نوشته اسدی، و دیگران (۱۳۹۹)، «جستاری انتقادی در سرچشمه دین مانی» اثر علی تدین (۱۳۹۳) و ... کار شده است اما هیچ‌کدام از آنها به تمامی آیین‌ها و کیش‌ها و مذاهب و فرق پیش از مانی که بر مانویت تأثیر داشته‌اند به‌صورت کامل اشاره نکرده‌اند. هدف از این تحقیق مشخص کردن مواردی است که مانویت از آیین‌ها و مذاهب و فرق پیش از خود گرفته است و ضرورت آن نیز برای آگاهی و شناخت بیشتر دانشجویان و محققان ادیان و مذاهب می‌باشد. این تحقیق که مطالب آن به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است قصد پاسخ‌گویی به سؤال: دین مانی از ادیان و مذاهب و فرق که در نزدیکی خود داشت چه تأثیر یا تأثیراتی گرفت؟

دارد. به نظر می‌رسد بسیاری از اصول و عقاید مانویت از ادیان پیش از خود مانند زروانی، میترائیسم، زرتشتی، مسیحیت و فرق دیگر مانند مرقونیون دیسانیان و غیره گرفته شده است.

دین مانوی

مانی نامی مستعار برای پیامبر مؤسس آیین مانویت بود که همه او را هنرمندی کم‌نظیر از جمله در عرصه نقاشی و تصویرگری دانسته‌اند در عربی او را مانی‌النقاش در فارسی به مانی صورت‌گر و در زبان آلمانی به Mani der Maler و نیز در انگلیسی Mani the painter معروف و شناخته شده است. وی در سال ۲۱۶م در زمان سلطنت اردوان پنجم آخرین شاه اشکانی از پدری ایرانی به نام پاتک و از مادری به نام مردیم که شاهزاده‌ای اشکانی بود، در روستای مردینو در حومه‌ی بابل متولد شد (خدادادیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۶۵۳ و ۱۶۵۵). مانی یک پزشک بود و زمان ظهور او هنگامی بود که ساسانیان سعی در تسخیر پارس داشتند و با پارت‌ها در حال نبرد بودند (دریایی، ص ۶۳؛ ولسکی، ۱۳۸۳، ص ص ۲۱۸-۲۱۷). دین مانوی دینی جهانی انگاشته می‌شد و مهر تأیید خود را از پیامبران و آموزگاران پیشین می‌دانست و می‌گفت فقط آمده تا پیام ایشان را تکمیل کند (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۶۵؛ اسدی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۸۶). دین مانوی پس از مرگ او توسط مبلغان مانوی در شرق و غرب گسترش یافت (اکبری، ۱۳۸۶، ص ۶). مانی آیین خویش را این چنین معرفی می‌کند: دینی را که من برگزیده‌ام در پنج چیز بهتر از سایر دین‌های قدیمی است. نخست آنکه مذاهب قدیمی خود را به یک کشور و یک زبان محدود می‌کردند. اما مذهب من در تمام کشورها و به همه زبان‌ها و تا دورترین کشورها آموخته می‌شود. دوم آنکه: تا هنگامی که پیشوایان دین‌های پیشین زنده بودند همه چیز به سامان بود، اما وقتی که پیشوایان مردند دینشان آشفته شد و مردمان در گفتار و کردار سست شدند و بدین طریق ... اما دین من در نتیجه وجود کتاب‌های زنده، آموزگاران، اسقفان، برگزیدگان، نیوشندگان و از طریق خرد و کار تا پایان [جهان] باقی خواهد ماند؛ سوم آنکه: روان‌های پیشین که کارشان را در دین خود تکمیل نکرده و به پایان نرسانده است، به دین من می‌آیند. درست از اینجاست که دری به سوی رستگاری برای آنان گشوده است؛ چهارم آنکه: دو اصلی که بر من وحی شده است و نوشته‌های زنده و پر شور من، خرد و دانش من بسیار بهتر از دین‌های پیشین است؛ پنجم آنکه: تمام نوشته‌ها، خرد و داستان‌های دین‌های پیشین به دین من افزوده شده‌اند (شاکد، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵). مانی چنین می‌گفت که پیدایش دو عالم از دو

هستی است؛ یکی نور و یکی ظلمت و هریک از دیگری جدا بوده و نور اولین بزرگی است که در شماره نیاید و او خداوند و فرشته جنان‌النور است و پنج عضو دارد: حلم، علم، عقل، غیب و فطنت؛ به ضمیمه پنج عضو دیگر که: محبت، ایمان، وفا، مروت و حکمت است و چنین پندارد که خدا با این صفات‌ها ازلی بوده و دو چیز ازلی دیگر هم با اوست: یکی آسمان، یکی زمین (ابن‌ندیم، ۱۳۴۶، ص. ۵۸۴). مانی بر این باور بود که کیش وی برتر از دین‌های گذشته (بودایی، زردشتی و مسیحی) است، چرا که پیام آن جهانی و فراگیر است و آموزه‌های وی از ابتدا به همه زبانها (پهلوی، سریانی، لاتینی، قبطی، ترکی، چینی و...) در آمده و قابل درک برای همگان بوده است. مانی عناصر بسیاری را از دین‌های پیشین به دین خویش را داد تا بدین‌وسیله کیش خود را برای پیروان دین‌های دیگر، جالب و فهم پذیر سازد (احمدی، ۱۳۸۵، ص. ۸۸). تعلیم مانی که تلفیقی از مذاهب گنوسی با آیین‌های هندی و ایرانی بود اعتقاد به ثنویت را شامل روح و جسم و ضرورت سعی در نجات روح می‌کرد. (زرینکوب، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۵). دین مانی ترکیبی بود از ادیان مهم آن زمان یعنی بودا و زردشت و آیین مسیح و همچنین عقاید گنوسی و مندایی، او خود فرستاده عیسی نور و فارقلیط موعود عیسی می‌خواند و از بودا و زردشت نیز یاد می‌کرد و آیین خود را مکمل تعلیم آنها می‌شمرد (شاه‌حسینی، ۱۳۵۴، ص. ۸۷-۸۶). تصور امتزاج میان نور و تاریکی، میان افلاک ادراک و ماده، مسلماً جزیی از میراث ایران قدیم مانویت را می‌سازد (فیروزنیا، بی‌تا، ص. ۲۵). دین مانی ترکیبی است از معتقدات مردم بابل و ایران و اصول بودایی و مسیحی (شاله، ۱۳۵۵، ص. ۲۱۶). چنانچه تأثیر تعلیم عرفانی دوره نفوذ تمدن و فرهنگ یونانی و قرون اولیه عصر مسیحیت از جمله عرفان سریانی را منعکس می‌سازد (دیاکونوف، ۱۳۸۰، ص. ۳۳۶). گئو ویدان گرن درباره مانی نوشته است «دین مانی مخلوطی آگاهانه از مسیحیت و زردشتی‌گری و اعتقادات دیگر ایرانی است بر مبنای معتقدات قدیم ساکنان بین‌النهرین به صورت تحول یافته گنوسی و تعمیدی آن. مسیحیت و اعتقادات ایرانی با معتقدات مذهبی ساکنان بین‌النهرین آمیخته شده بود از این رو مانویت بیش از هر مذهب دیگری امکان این را داشت که دو رقیب بزرگ یعنی مسیحیت و الهیات ایرانی را بهم نزدیک کند و با ادغام این دو به ترکیب بالاتری دست یابد که برای مردم سرزمین بین‌النهرین نیز که با فلسفه عرفانی آشور-بابلی پرورش یافته بودند قابل قبول باشد، این جنبه آینده مهمی را نوید می‌داد (رضایی، ۱۳۷۲، ص. ۳۳۰). اگر عنصر یهودی-مسیحی را عامل تعیین‌کننده در شکل بخشیدن بعدی پیامبر

بایی بدانیم سخت در اشتباهیم، همچنین اجزاء ضروری چون محیط دینی و فرهنگ میان دورودان آن زمان را در شرایط مساوی نادیده بگیریم و چنانچه می‌دانیم همین عوامل بودند که جنبش‌های دینی چون؛ آیین مندایی، که تا امروز در جنوب ایران بازمانده است، با باورهایی درآمیخته که سخت زیر نفوذ آیین گنوسی ایران بودند. نیز نباید از این حقیقت چشم‌پوشیم که در ادسا، بخش شمالی سوریه دو آموزگار بزرگ گنوسی به نام مرقیون پونتوس (متوفی حدود ۱۶۰م) و ابن‌دیسان ادسایی (۲۲۲-۱۵۴م) که هر دو سخت زیر نفوذ دوگانه‌پرستی ایرانی قرار داشتند از پیش مکاتبی را پی‌ریختند (الیاده، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۹). اگر نسبت به تعلیقات فلسفی دینی مانی قدری جسارت شده در مقابل باید گفته شود که این مؤسس دین، مطالب خوب و عالی هم دارد و مبنای عقاید او فلسفه جدید یونانی و گنوسی و امتزاج آنها با ادیان سامی و به‌ویژه مسیحیت و طریقه‌های متکلمین مسیحی مخالف اکثریت بوده و درواقع مانند طریقه مرقیون و ابن‌دیسان شکلی از مسیحیت هلنیزم (به‌معنی فلسفه یونانی بهد از اسکندر) بود (تقی‌زاده، ۱۳۳۵، ص. ۲۶). درواقع به‌طور کلی می‌توان چنین گفت که آموزه مانی جوهری گنوسی داشت و عناصر سازنده آن از دین ایرانی به‌ویژه از آیین زردشتی و گونه‌زروانی آن سرچشمه گرفت و از مرقیون پونتوسی و آیین گنوسی یهودی-مسیحی ابن‌دیسان ادسایی نیز متأثر بود، مانویت با آنکه تأثیرات شگرفی از ابن‌دیسان پذیرفته است (الیاده، ۱۳۷۳، ص. ۱۶۳). در زیر به‌معرفی و تأثیر این ادیان و فرق می‌پردازیم:

زروان: کیش زروانی (Zeruanismus) یکی از باستانی‌ترین ادیان ایران است که پس از گذشت هزاران سال دوباره در زمان ساسانیان پایه‌گرفت و رواج به‌سزایی داشت. پیروان این کیش زروان اکرانه (بیکران) را خدای بزرگ و خالق اهورامزدا و اهریمن می‌دانند. در اوستا چند بار نام زروان در ردیف دیگر ایزدان آمده و از آن به‌عنوان فرشته زمان بیکران یاد شده است. در اغلب نوشته‌ها زروان با صفات اکرانه آمده است (رضایی، ۱۳۷۲، ص. ۳۹). زروان نام این کیش مشتق از زروان زمان است که به‌نظر زروانیان وجود غایی است، به‌عقیده آنان زروان منشأ غایی هم خیر و هم شر و پدر و برادر یعنی اورمزد و اهریمن است به اعتقاد زروانیان "وجود مطلق" زروان دو قطب متضاد خیر و شر را در خود دارد (هلینز، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۲-۱۱۱). مغان می‌گویند پیش از آنکه آفرینش شروع شود و پیش از آنکه آسمان و زمین و هیچ مخلوقی موجود باشد، در بسیط هستی وجود حقیقتی موجود بود که زروان نام داشت. این زروان خداوند فر یا بخت و اقبال و تردید نیز

خوانده می‌شد (رضایی، ۱۳۷۲، ص. ۳۹). ایرانیان به کیش زردشت که او را پیغمبر خود می‌دانند و بر این بودند که روشنی و آن را زروان می‌نامند - قدیم و ازلی است (یعقوبی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱۷). باورهای آیین زروانی در قالب آموزه‌های دینی زردشتی، در اغلب نواحی فلات ایران با اقبال در بین مردم مواجهه شده بود. مانی با فراست از این ظرفیت برای باورپذیر کردن آموزه‌های کیش خود استفاده کرد (اسدی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۶). گفتنی است که شاکله اصلی دین مانی آیین زروان بود (خدادادیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص. ۱۶۶۰). در آیین مانی در قلمرو نور، پدر عظمت حکمران است (که معادل زروان زردشتیان است) و گاهی در ایران سروشاو خوانده شده و در قلمرو ظلمت پادشاه تاریکی که معادل اهریمن است یا شیطان در دین مسیح (تقی‌زاده، ۱۳۳۵، ص. ۳۷). خدا که پدر روشنایی انگاشته می‌شد و در برخی از متن‌ها نام زروان به او داده بودند، هم در آیین مانی و هم در سایر نظام‌های گنوسی، دور از دسترس و دست‌نیافتنی بود (فولتس، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۸). در حقیقت چون زروان پدر ادیان ایرانی بود مانی برای آیین خود بدان نیاز داشت تا اصول و مواردی از آن را در دین خود بیاورد.

میترا: آیین مهر یا میتره که خدای روشنایی، حافظ نظم، مدافع حق و حقیقت و ضامن عهد و پیمان بود با عنوان میترایسیم شاخه‌ای از طبیعت پرستی کهن که در ایران رشد و نما یافت (میرزایی، ۱۳۴۷، ص. ۸۹؛ لوکاس، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۲۹۰). مهر خدای مهمی در تاریخ بسیاری از کشورهای مختلف در ادوار گوناگون بوده است و این آیین از اندیشه‌های کهن ایرانی از جمله روح نیکی و بدی همچون برادران هم‌شکم یا دو برادر توأم یا پسر زروان یا زمان بی‌نهایت را اخذ کرد و پرستش او در غرب از امپراتوری روم تا شمال انگلستان و در شرق تا هند گسترش داشته است. مهر که نخست هزاران سال پیش پرستیده می‌شد هنوز مورد احترام زردشتیان است (هلینز، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۹؛ کالج، ۱۳۸۰، ص. ۹۱). پیش از آنکه زردشت ظهور کند، آریاییان در قالب زروانی‌گری، مهر پرستی نیز اختیار کردند. در اوستا مهر از گروه بزرگ‌ترین ایزدان است. کهن‌ترین سند نوشته شده‌ای که نام این خدای کهن بشری در آن ثبت شده است و به دست ما رسیده است الواح گلین متعلق به ۱۴۰۰ ق.م یافته شده در بغازکوی که در پیمان‌نامه میان هیتی‌ها و میتانی‌ها، از میترا و وارونا دو خدای بزرگ هندی و ایرانی کمک خواسته شده است. در وداها دو بار و آن هم به‌طور کوتاه از میترا به تنهایی یاد شده است اما در اوستا بر خلاف وداها میترا مقام شامخی دارد و در زمان پیش از اوستا و رستاخیز زردشتی،

بزرگ‌ترین خدا به حساب می‌آمد (رضایی، ۱۳۷۲، ص. ۵۶). مانی گاهی خود را پیرو میترا (مهر) معرفی می‌کرد و این به دلیل احاطه او بر این آیین بود (خدادادیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص. ۱۶۶۰). میترا که خدای پیمان و روشنایی و خورشید بود مورد توجه مانی قرار گرفته و او پیام خود را در میان ایرانیانی تبلیغ می‌کرد که به خدایی مانند مهر نیز به‌مانند سایر ایزدان معتقد بودند و آیین مهر نقش مهمی در کیش مانی داشت (کالج، ۱۳۸۰، ص. ۸۹؛ دریایی، ۱۳۸۳، ص. ۶۴). مهر یا میترا ایرانی بود و مانی نیز تفکرات ایرانی را بیشتر در آیین خود اهمیت می‌داد و از طرفی بستن پیمان یعنی راستگویی و صداقت و این چیزی بود که مانویان همیشه به آن پایبند بودند.

زردشت: آیین زرتشتی در محیط دین اصلاح نشده‌ی ایرانی که خدایان بسیار داشت و برای عناصر طبیعت سپاس و احترام داشت چون عاملی در فضای ناساز پدیدار شد (کالج، ۱۳۸۰، ص. ۸۸). در نیمه قرن هفتم قبل از میلاد "آیین زردشتی ظاهر شد" و مردم را به نیکی و صلاح خواند. زردشت اگر چه فکر مبارزه خیر و شر را پذیرفت، ولی در آن تعدیلی پدید آورد و علیه قربانی کردن و خون ریختن برخاست و مردم را به پاکی گفتار و پندار و کردار فرا خواند. کیش زردشت تا حدودی جنبه توحید داشت، به پرستش اهورامزدا دعوت می‌کرد و در عین حال به مبارزه با مبدأ شر و از میان بردن آن و مساعدت و یاری به مبدأ خیر دعوت می‌کرد. زردشت می‌گفت برای توفیق در این کار باید به اعمالی پرداخت که نتیجه آن رستگاری و پیروزی و صفای باطن باشد تا موجب وصول به سرمنز سعادتمند گردد. (آیتی، ۱۳۵۸، ص. ۱۹). به عقیده زردشتیان گیتی به خودی خود بد نیست اما بهتر است انسان دو دستی به آن نچسبد و خود را از آن محفوظ نگه دارد. انسان با رها کردن گریبان جهان می‌تواند بدون آنکه آن را یکسره رها سازد به هدف دیگر خود نیز دست یابد (شاکد، ۱۳۸۱، ص. ۲۹۶). مذهب زردشت دینی است که ظاهراً بر اساس دوگانه پرستی قرار دارد. این دین معتقد بر دو خدای ازلی جاویدی می‌باشد یکی خدای خیر دیگری خدای شر. در چهارچوب این عقیده یک نظم بسیار عمیق فلسفی بنا شده که بر طبق آن خدای خیر ملقب به اهورا مزدا؛ خدای خرد و دانش یا آفریدگار کل است که همواره در پیکار و نزاع با خدای شر که او اهریمن نام دارد اولی یعنی هرمزد، پروردگار و سبب همه نیکی‌های عالم هستی است و دومی یعنی اهریمن ناپاک است و زشت که منشأ غم و بدبختی و منبع سراسر دردها و بیماری‌ها و سرانجام باعث نابودی است. این دو نیروی عالم کل هر چند روزگاران با یکدیگر به جنگ و نزاع سرگرم‌اند و هر

یک شکست دیگری و پیروزی خود را می‌طلبید سرانجام این کشمکش به پیروزی اهورامزدا پایان می‌پذیرد (بیات، ۱۳۵۵، ص. ۲۱۵). در این آیین [مانوی] خیر و شر و یا نور و ظلمت زردشتی نمایان است. با این اعتقاد که خیر و شر با هم در ستیزند و سرانجام خیر بر شر یا نور بر ظلمت فائق آمد (بیانی، ۱۳۷۹، ص. ۴۸). چنانچه از آموزه‌های مانوی برمی‌آید تأثیرات گسترده‌ای در انگاره‌های یزدان‌شناسی و کیهان‌شناسی دین مانی بر جای نهاده است (جکسون، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳). چنانچه «ایشان [مانویان] همان گویند که زردشت گفته است که صانع دو است: یکی نور که صانع خیر است و دیگری ظلمت که صانع شر است و هر چه در عالم است از راحت و روشنایی و طاعت و خیر به صانع خیر باز پذیرد و هر چه از شر و فتنه و بیماری و تاریکی است به صانع شر. لیکن هر دو صانع را قدیم گویند» (افشار شیرازی، ۱۳۳۵، ص. ۴۹۱). مانی در یزدان‌شناسی خود بسیار وام‌دار دین زردشت است زیرا او معتقد بود که از ازل دو اصل وجود داشته است: یکی «نیکی و روشنی» و دیگری «بدی یا تیرگی» که هر یک قلمرو جداگانه‌ای داشته‌اند. بر قلمرو نیکی یا «بهشت روشنی»، «پدر بزرگی» (زروان یا بهشت روشنی) فرمان می‌راند و بر سرزمین تاریکی، اهریمن (شهریار تاریکی) پادشاهی می‌کرد تا آنکه اهریمن به بهشت روشنایی هجوم آورد و بخش‌هایی از آن را آلوده و اشغال کرد. یزدان‌شناسی و کیهان‌شناسی مانی تا اینجا کم و بیش مطابق با آموزه‌های زردشتی است اما پس از این عقاید آن دو از هم جدا می‌شود (احمدی، ۱۳۸۵، ص. ۸۷). به حقیقت مانی اصل ثنویت را از زردشت گرفت زیرا در دین زرتشتی ثنویت نیکی و بدی یا همان ارته و دروج (درستکاری و دروغ) رایج بود. (شاه‌حسینی، ۱۳۵۴، ص. ۸۷؛ کالج، ۱۳۸۰، ص. ۸۸). عقیده اصلی مانویان مانند آیین زردشتی همان عقیده تثنین است. به عقیده آنان جهان عرصه مبارزه دو اصل روشنایی و تاریکی است. در جهان خاک عناصر روشنایی و تاریکی با یکدیگر ممزوج و مخلوطند و هدف پیشرفت و موفقیت در این جهان، آزادی و تفکیک عناصر روشن از تاریک است. عقاید و افکار مانویان در بدو امر مربوط به اصول آفرینش جهان و روز جزا و آخرت است که متضمن خصوصیات افسانه‌های زردشتی می‌باشد. (دیاکونوف، ۱۳۸۰، ص. ۳۳۶). در مجموع نظام دینی مانی ثنوی یا دوگانی‌کیشی بود و مبتنی بر دو اصل یا بُن و بنابراین دینی دو بنی بود که نظام آن برای تبلیغ پیام خود از اصطلاحات زرتشتی بهره می‌گرفت و زرتشتیان با آن مانوس بودند (دریایی، ۱۳۸۳، ص. ۶۳). تأثیر

آیین زرتشت بر مانویت دیگر بر کسی پوشیده نیست و به‌خوبی این امر مشهود است و نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

آیین گنوسی (گنوستیکی): گنوسی در اصل از واژه یونانی غنوسی gnosis به‌معنای دانستن است اصول عقاید گنوسی محققاً قبل از عیسویت وجود داشت و سپس به سختی با عیسویت جنگید. در سده‌های نخستین مسیحی، آیین گنوسی سراسر جهان یونانی_رومی را در پیمود و دین یهود و مسیحیت را به‌خطر انداخت (بهار، ۱۳۸۴، ص. ۷۵-۷۴). آیین گنوسی، حد و مرز مشخصی ندارد. بلکه مجموعه‌ای است از مذاهب گوناگون که تنها در برخی چیزها اشتراک دارند ولی همه به جانب یک هدف رواند که از وحی الهی " گنوس " یا معرفت و شهودی به‌وجود آورند که بتواند انسان را با خدا متحد کند (الفاخوری و الجبر، ۱۳۵۸، ص. ۷۸). بنا به نوشته‌های مسیحی، اصول عقاید گنوسی-ها چنین است: ۱- ماده دشمن روح است، چنانچه شر دشمن خیر است، بنابراین تن قابل تحقیر است، ۲- تخیلات و تصورات خارق‌العاده در میان پیروان این آیین عمومیت دارد، ۳- آنان عیسی مسیح را بعد از فرشتگان قرار می‌دادند و گاه وجود او را انکار می‌کردند، ۴- این کافران بیشتر از میان یهودان پدید می‌آمدند و خود را استاد قانون (آسمانی) می‌دانستند (بهار، ۱۳۸۴، ص. ۷۶-۷۷). برخی گنوسی‌ها را فرقه‌ای از مسیحیت می‌دانند که به شناخت (عرفان) تعالیم ناب حضرت عیسی (ع) اعتقاد داشتند (خدادادیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص. ۱۶۶۰). به اعتقاد برخی از پژوهشگران برخی موارد از نحله‌های گنوسی شالوده کیش مانوی است (شکری فومشی، ۱۳۸۲، ص. ۳۵). چنانچه در آیین مانوی همانند همه جنبش‌های گنوسی آمده است که دانش به رستگاری منجر خواهد شد و این رستگاری به واسطه پیروزی "نور نیکو" بر "تیرگی شرور" به‌دست می‌آید (الیاده، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۲). در زمانی که مانی نخستین سال‌های زندگی‌اش را با والدینش در بابل می‌گذراند آیین گنوسی در این شهر نفوذ زیادی داشت (دریابی، ۱۳۸۳، ص. ۶۳). مانویت چون آیین گنوسی دارای بدبینی عمیق و یکسو نگر نسبت به جهان است چنانچه نیروهای شر از آن آگاهند و آن را زیر سیطره خود گرفته اند و با میل فزاینده‌ای می‌خواهند زنجیرهایی را که در زندان ماده و تن به اصل مینویی و درخشان چسبیده‌اند، در هم شکنند. آگاهی از طریق خاطرهای به رستگاری منجر می‌شود که در آن تشریف‌کننده تشخیص می‌دهد که روحش پاره‌ای از نور و با خداوندگار متعال

هم گوهر است (الیاده، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۲). چون مانی جوانی خود را در میان طرفداران این کیش بود پس طبیعی بود که از اصول و ارکان آن برداشتهایی داشته باشد.

مرقونیان و دیصانیان: درباره ثنویان از مانویان دیصانیان و مرقونیان که نور و ظلمت را قدیم و جهان را آمیخته و مرکب از آن دو و نیکی را از نور و بدی را از تاریکی دانسته‌اند (بغدادی، ۱۳۵۸، ص. ۲۵۸). به این دو اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت: مرقیون که اروپاییان به او مارسین می‌گویند، مردی بوده است حکیم و از اصحاب معرفت که در آغاز قرن دوم میلادی در شهر سینوپ در آناتولی در کنار دریای سیاه متولد شده است. پدرش اسقف بود و خود نیز این پایه را داشت و چون عقاید خاصی داشت او را تکفیر کردند و می‌خواست توبه کند که عمرش وفا نکرد وی معتقد به تحریف تورات و انجیل بود و عقیده داشت باید تورات و قسمتی از انجیل را تغییر داد. این عقیده وی به سرعت پیشرفت و هواخواهان بسیار یافت و ارتودوکس‌ها با مرقیون مخالفت سخت کردند. با این همه تا قرن دهم میلادی باقی ماندند و در ضمن عقاید ایشان در دین مانی موثر افتاده است (نفیسی، ۱۳۴۶، ص. ۶۸). سده‌ی سوم میلادی در روم، مصر، عربستان، سوریه و حتی ایران گروه‌های بزرگی از پیروان مرقیون وجود داشتند. رهبران گروه‌های نام برده همانند سران مانویان می‌گفتند که جز خدای جهان مادی که پدیدآورنده شر و ناراستی است، خدای بزرگ‌تری هست که خالق خیر و راستی است (لوکونین، ۱۳۷۲، ص. ۱۲۰). در اسناد اسلامی درباره دیصانیان نوشته اند که ابن‌دیمان در کنار نهری به نام دیصان به دنیا آمده و پیش از مانی بوده و دین او نزدیک به دین مانی بوده است و تنها اختلاف ایشان درباره آمیختگی نور با ظلمت بوده است، دیصانیان دو گروه بوده‌اند که با هم اختلاف داشته‌اند؛ گروهی عقیده داشتند که نور با اختیار خود با ظلمت در آمیخته است تا آن را اصلاح کند و چون خواست از آن بیرون برود منع کردند، گروهی دیگر معتقدند که نور خواست ظلمت را از خود براند و چون پایداری آن را دید ناچار از این کار دست کشید. ابن‌دیمان معتقد بود که نور جنس واحد و ظلمت جنس واحد است برخی از دیصانیان عقیده داشتند که ظلمت اصل نور است و نور زنده و حساس و داناست و ظلمت بر خلاف آن حساس و دانا نیست (نفیسی، ۱۳۴۶، ص. ۷۰-۶۹). نور و تاریکی از اهم موضوعات اعتقادات مانویت است که دیصانیان و مرقونیان نیز قبل از مانویت به آن قائل بوده‌اند.

مندایی (ماندایی): کلمه مندا به معنای علم و عرفان است و مندایی یعنی کسی که منسوب به عرفان می‌باشد و بعضی‌ها گفته‌اند که مندا صورت دیگر واژه مدا یا مذبح است که در آرامی به معنای فرشته یا منجی آمده است و در یونانی به آن گنوسیس گفته می‌شود. (اله‌امی، ۱۳۷۹، ص. ۸۷). منداییان یحیای تعمیددهنده را در مقام پیامبر خویش گرامی می‌دارند و عیسی را فقط یکی از حواریون نافرمان یحیی می‌انگارند. دنبال کردن تاریخچه خاص جماعت مندایی کاری است دشوار _ در دوره پارتیان در بین النهرین فرقه‌های گنوسی _ تعمیدگرای متعددی وجود داشتند اما آنها شاید به صابئین مشترک حرّان، که در منابع اسلامی نامشان برده شده است، وابسته باشند. واژه جدید فارسی برای اشاره به منداییان، یعنی واژه صبی، از واژه عربی مغتسله [تعمیدپون] سرچشمه می‌گیرد (فولتس، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۲). عده‌ای مانی را به فرقه مندایی متعلق می‌دانند زیرا وی از این دین چنان اطلاع داشت که گویا هم‌کیش منداییان است (خدادادیان، ۱۳۸۳: ج ۲، ص. ۱۶۶۰).

صابئین: صابئین ظاهراً عبارت بودند از یک دسته از فرقه‌های متعدد اهل تعمید و در جنوب بین‌النهرین (مشهورترین آنها عبارت بودند از مندائیان که تا امروز باقی مانده‌اند) از جمله پیروان آیین ستاره‌پرستی در حران نیز مثل فرقه‌های تعمیدی به نام صابئین خوانده شدند (اشپولر، ۱۳۵۴، ص. ۵۷-۵۶). مانویان می‌بایست برای پاک شدن از گناهان همان غسل‌های صابئین را بکنند و پیرو معرفت حقیقی اصحاب عرفان باشند. مانی همه کتاب‌های تورات و عهد عتیق را باطل می‌دانست اما انجیل و رسایل پولس را پذیرفته بود و خود را فارقلیط یعنی موعود مسیح می‌دانست و خویشتن را آخرین حواری عیسی (ع) و وسیله انتقال حقایق آسمانی می‌شمرد. (نفیسی، ۱۳۴۶، ص. ۸۳). مانی در کودکی در محیط دینی صابئین مغتسله بزرگ شده بود و اولین وحی خود را نیز در سنین کودکی در آنجا دریافت کرده بود (زرینکوب، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۵).

مغتسله: این گروه قائل به شستن هر چیزی هستن و خوراکی‌های خود را می‌شویند، و رییس خود را حسیس دانند و اوست که پایه‌گذار این ملت بوده و عقیده داشت که این دو عالم مرکب از نرینه و مادینه است، این گروه با مانویان در بودن دو اصل موافقت دارند و پس از این از آنها جدا می‌شوند (ابن‌ندیم، ۱۳۴۶، ص. ۶۰۶). پدر مانی در تیسفون مستقر شده بود لکن بعدها به واسطه انقلاب و تحولی که در روح و قلب او پیدا شده و هاتفی هم وی را ندا در داد که از شراب و گوشت و مباشرت با زنان بپرهیزد، به جنوب رفته و در ناحیه میسان ساکن شده و به فرقه‌های مذهبی مغتسله

یعنی تعمیدکنندگان که که شاید همان اسلاف ماندایی‌ها یا صبه کنونی و صابئین قدیم است که در قرآن نیز مذکور است پیوسته و طریقه آنها را کم‌وبیش با دستوره‌های هاتف غیبی موافقت داشت پذیرفت. به‌ظن قوی قسمتی از عقاید گنوسی مانی و همچنین اعتقاد مانویان به شیث و اخنوع و بعضی معتقدات دیگر از آن جماعت (مغتسله) اخذ شده است (تقی‌زاده، ۱۳۳۵، ص. ۶).

مسیحیت: مسیحیان در آغاز یک فرقه کوچک از یهود بودند و افراد آن عیسی را طبق روایات کتب عهد عتیق و عهد جدید، مسیح موعود می‌دانستند و انتظار داشتند که او حکومت خدا را در روی زمین برقرار کند ولی این مذهب که از طرف عیسی (ع) تبلیغ می‌شد و دستور زندگی خود او بود، وعده نجات و مسأله معاد و محشر تأیید عمیقی در توسعه این مذهب داشت. پس از مسافرت‌های سن پول؛ پیروان زیادی به‌خصوص از میان غلامان و رنجبران، به این مذهب گرویدند (بهمنش، ۱۳۵۸، ص. ۲۶۰). عقیده مسیحیت درباره برادری بشر و دستوری که در این مورد رعایت می‌شد "همسایه خود را مانند خود دوست بدار" موجب فعالیت‌های کلی‌تر از وفاداری نسبت به قبیله یا مدینه و نیرومندتر از فلسفه رواقی‌ها یا قانون رم بود. مذهب جدید مانند ادیان قدیم، مفهوم و معنایی به زندگانی توده‌ها که نمی‌توانستند از منابع امپراتوری و ثمرات علم بهره‌مند شوند، می‌داد و زمانی که ضعف و ناتوانی سیستم اقتصادی با بی‌ثباتی آمال دنیوی را آشکار می‌ساخت طبقات متوسط و عالم هم همین عقاید را پذیرفتند (چاید، ۱۳۵۸، ص. ۲۶۲). در سال‌های اول زندگی مانی، شهر او یعنی بابل تا حدودی تحت نفوذ باپتیست‌ها یا تعمیددهندگان بود (دریابی، ۱۳۸۳، ص. ۶۳). با تردید می‌توان مانویت را گونه‌ای بدعت‌گذاری مسیحی به‌شمار آورد. برای بدعت‌گذار بودن این آیین باید گفت: مانی خود اظهار کرده بود که یکی از حواریون عیسی مسیح (ع) و وارث فارقلیط است (الیاده، ۱۳۷۳، ص. ۱۶۳). در واقع مانویت بیش از آنچه تاکنون معرفی می‌شده است با مسیحیت ارتباط دارد (تدین، ۱۳۹۳، ص. ۱). چنانچه به‌عنوان مثال تثلیث مانویت را که در "پدر عظمت، انسان اول، مادر زندگانی" جلوه‌گر شده است، چون «اب و ابن و روح القدس» متخذ از مسیحیت می‌یابیم (بیانی، ۱۳۷۹، ص. ۴۸). مانی در بیان مطالب خود اصطلاحات هر قوم و ملتی را اقتباس و تعلیمات خود را به قالب معتقدات جماعتی می‌ریخت که در میان آنها دعوت خود را نشر می‌داد بعدها به جنبه عقاید مسیحی در ترکیب مانویت بیشتر اهمیت داده شده و مخصوصاً محقق گردید که مانی از دین عیسوی بیشتر اطلاع داشت تا از ادیان و اعتقادات ایرانی و هندی، مانویت دین یهود

را طرد می‌کرد و موسی (ع) و انبیاء بنی‌اسرائیل را به‌منزله شیطان تلقی می‌کرد. در تشکیلات دین مانی از نقوش کلیسای مسیحی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و مانند مسیحیان دوازده حواری در رأس آن قرار داشته است (بیات، ۱۳۵۵، ص. ۲۲۱؛ خدادادیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص. ۱۶۶۰). مانویت به‌مانند مسیحیت شیوه‌ای زندگی بی‌اندازه ساده داشت و با تهیدستان و فرودستان بی‌اندازه حشرونشر می‌کرد (لوکاس، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۲۹۱).

یهود و مسیح غیر مسیح: مانی رسالت خود را برای تمام جهانیان و خود را آخرین نجات دهنده می‌دانست، به‌زعم او پیامبران پیش از او: بودا، زردشت و عیسی بوده‌اند اما عیسایی را که پیامبر خوانده غیر از عیسی بن مریم است زیرا او عیسی بن مریم را شیطان می‌دانسته است، وی تورات را به‌طور کلی رد کرده و منکر موسی است. با تجزیه و تحلیل عقاید مانویان معلوم می‌شود که او افکاری از مذاهب بومی ایران مانند: زروانی، زردشتی، اساطیر بابلی، عقاید عیسایی و طریقه گنوسی به‌ویژه مرقیون و صابئه را گرفته و یک جا جمع کرده و با اصولی که خود بنیان نهاده در آمیخته و کیشی به‌وجود آورده که بنابر ادعای او جنبه علمی دارد. مبنای دین مانی دوگانه‌پرستی (ثنویت) است (رضایی، ۱۳۷۲، ص. ۳۰۸).

بودا: بودا هفت سال در جست‌وجوی حقیقت بود تا سرانجام روزی در زیر دخت بیداری و روشنایی به حقیقت رسید و کلید خرد را یافت و نخستین قانون زندگی خود را پیدا کرد. از نیکی نیکی زاید و از بدی بدی پدید آید. بودا خطاب به پنج مرتاضی که پیوسته با او بودند گفت: زندگی این دنیا لذت و خوشی در بر دارد و غیر حقیقی است و راه ریاضت نیز ناهموار است و غیر حقیقی بودا راه میانه را پذیرفت این راه است که منجر به نیروانا می‌شود؛ ایمان راست، نیت راست، گفتار راست، کردار راست، طریق زیستن راست، پندار راست و توجه و مراقبت راست. آیین بودا ساده و بی‌پیرایه است؛ پوشیدن جامه زرد و تراشیدن موی سر و ریش و تظاهر به در یوزگی و به‌مراقبه و تفکر و تکرار کلمات پرداختن از مراسم آن است (شاه‌حسینی، ۱۳۵۴، ص. ۸۱-۸۰). مانی سفری به هندوستان داشت و شاید در این سفر با بوداییان آشنا گشته بود (دریایی، ۱۳۸۳، ص. ۶۶). مانویان الگوی اجتماع‌شان را از بوداییان گرفته بودند اما نمونه مانویان افراطی‌تر بود (فولتس، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۱). عقیده مانی این بود که می‌خواست در میان مردم گیتی دوستی همگانی به‌وجود آورد یعنی دین‌های گوناگون را یکی سازد. در دین بودا تحقیقات فراوان کرد و اندیشه پیروزی بر هوا و هوس

را از راه رنج نهادن بر تن، از بودا فراگرفت بدین منظور روش امساک از پاره‌ای از خوردنی‌ها را توصیه کرد و غذای خود را به ماهی و سبزی منحصر کرد (رضایی، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۶-۲۰۵). در آیین مانی اعتقاد به تناسخ را به احتمال قریب به یقین فرا گرفته از آیین بودا می‌باشد (خدادادیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص. ۱۶۶۰). این نزدیکی اندیشه سبب شد که کیش مانی بعدها در آسیای مرکزی که از مدت‌ها پیش آیین بودا در آن راه یافته بود، انتشار یابد (بیانی، ۱۳۷۹، ص. ۴۸). بودا به صورت راهب دوره‌گردی درآمد بود و در تحمل ریاضات مافوق بشری اهتمام می‌ورزید (شایگان، ۱۳۵۶، ج ۱، ص. ۱۳۶-۱۳۵). چنانچه مانویان نیز به مسافرت دائمی علاقه داشتند و دنیا را تحقیر می‌نمودند (زرینکوب، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

دیگر فرق: نویسندگان نصرانی قرن سوم میلادی، فرق مختلفی را که در سرزمین بین‌النهرین بر شمرده‌اند از جمله آنها: قابیلیان، نیکولاییان، سطحیان و هیپولیت را پیروان حکمت باطل و اباطیل دانسته و گفته‌اند به واسطه توالی شب و روز، تاریکی و روشنایی را خدا می‌دانسته‌اند و در ضمن به اختر شناسی و سحر و جادو معتقد بوده‌اند. از اینجا پیداست که ثنویت و دوگانه‌پرستی که در دین زردشت مظهر آن اورمزد و اهریمن هستند در میان بسیاری از طرق مذهبی بین‌النهرین رواج داشته و دین مانی نیز دنباله کار ایشان را گرفته است (نفیسی، ۱۳۴۶، ص. ۸۳-۸۲).

نتیجه‌گیری

هر دین یا آیینی که در یک منطقه ظهور می‌نماید، مؤسس و پیروان و مبلغان آن مجبورند برای جذب پیروان دین قبلی از آنها برداشت‌هایی کرده و یا برخی اصول و فروع آنها را که اساسی و اصولی بود و کلیاتی مورد پسند بود در دین خویش به کار برند. دین مانی که با عنوان مانویت آن را می‌شناسند نیز از این امر مستثنی نبود و مانی و پیروانش از ادیان بزرگ آن زمان در پهنه‌ی وسیعی از بین‌النهرین تا هندوستان یعنی زروان، میترا، زردشت، بودا، مسیح و فرقه‌های زیادی که در بین‌النهرین بودند برخی از ارکان و عناصر آنها را در اصول و اساس دین و آیین خود به کار بستند که امروزه با بررسی مواردی از اصول اساسی و رگه‌هایی از این ادیان و مذاهب و فرق این امر اثبات شده است. همین باعث شده است که از این دین با عنوان یک دین التقاطی یاد نمایند و شباهت‌های فراوانی را در برخی اصول و فروع آن با دیگر ادیان، آیین‌ها و مذاهب و فرق پیش از خود داشته

باشد و محققان و پژوهشگران امروزه با بررسی‌های علمی خویش به درستی شباهت‌هایی در دین مانی با آیین‌ها و کیش‌های قبل از آن بیابند.

منابع

- ابن‌ندیم، محمد. (۱۳۴۶). الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، تهران، بانک بازرگانی ایران، چاپ دوم
- اسدی، وحید، روزه زرین کوب، میرزا محمد حسنی. (بهار و تابستان ۱۳۹۹). «زروان باوری در کیش مانوی»، پژوهش‌های ادیانی، سال ۸، شماره ۱۵، ص ص ۲۱۰-۱۸۵.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۵۴). جهان اسلام، ترجمه قمر آریان، تهران، امیرکبیر
- افشارشیرازی، احمد (۱۳۳۵). مانی و دین او، تهران، مجلس
- الحسینی‌العلوی، ابوالمعانی. (بی تا). بیان‌الادیان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، ابن‌سینا، بی تا.
- الفاخوری، حنا و خلیل‌الجر. (۱۳۵۸). تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم
- انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۵۹). روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران، تهران، آموزش انقلاب اسلامی
- اکبری، امیر. (۱۳۸۶). «مانی و سیر گسترش مانویت»، تاریخ محلات، سال ۲، شماره ۵، ص ص ۲۱-۵.
- الهامی، داود. (۱۳۷۹). تحقیقی درباره صابئیان، قم، مکتب اسلام
- احمدی، داریوش. (۱۳۸۵). قوم آریا، قم، ادیان
- الیاذه، میرچا. (۱۳۷۳). آیین گنوسی و مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، فکرروز
- امام، سیدمحمدکاظم. (بی تا). تصوف، تهران، بی نا
- بدوی، عبدالرحمان. (۱۳۷۵). تاریخ تصوف اسلامی، ترجمه محمود افتخارزاده، قم، نشر معارف اسلامی
- بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر. (۱۳۵۸). الفرق بین الفرق، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران، اشراقی، بهار، مهرداد. (۱۳۸۴). ادیان آسیایی، تهران، چشمه، چاپ پنجم
- بیانی، شیرین. (۱۳۷۹). دین و دولت در عهد ساسانی و چند مقاله دیگر، تهران، جامی
- بیات، عزیزالله. (۱۳۵۵). کلیات تاریخ و تمدن ایران؛ پیش از اسلام، بی جا، دانشگاه ملی ایران
- تدین، علی (۱۳۹۳ زمستان). «جستاری انتقادی در سرچشمه دین مانی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۶، شماره ۲۲، ص ص ۲۰-۱.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار تهران، سخن

- تقی‌زاده، حسن. (۱۳۷۹). مانی و دین او، به کوشش عزیزالله علی‌زاده، تهران، فردوس،
- جعفریان، رسول (۱۳۷۷). مقالات تاریخی، قم، الهادی
- جکسون، آبراهام ویلیامز. (۱۳۸۳). «یادکردهای دین زرتشت در متون مانوی»، ترجمه داریوش احمدی، هفت آسمان، شماره ۲۴، ص ص ۱۸۸-۱۸۳.
- چاید، گوردن. (۱۳۵۸). سیر تاریخ، ترجمه احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران
- حائری، محمدحسن. (۱۳۷۹). راه گنج، تهران، مدینه
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۸۳). مکتب‌های عرفانی در دوران اسلامی، تهران، کومس
- حکمت، علی‌اصغر. (۱۳۷۱). تاریخ ادیان، به کوشش پروین و پریچهر حکمت، بی‌جا، بی‌نا
- خدادادیان، اردشیر. (۱۳۸۳). تاریخ ایران باستان، جلد دوم، تهران، سخن
- دریایی، تورج. (۱۳۸۳). شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس
- دیاکونوف، م. م. (۱۳۸۰). تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی‌ارباب، تهران، علمی و فرهنگی
- راستگو، محمد. (۱۳۸۳). عرفان در غزل فارسی، تهران، علمی و فرهنگی
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۷۲). اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان، تهران، موج
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۸۰). تاریخ ادیان جهان، جلد یکم، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم
- رضوانیان، قدسیه. (۱۳۸۹). ساختار داستانی حکایت‌های عرفانی، تهران، سخن
- زرینکوب، عبدالحسین. (۱۳۴۴). ارزش میراث صوفیه، تهران، آریا
- زرینکوب، عبدالحسین. (۱۳۸۸). جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ نهم
- زرینکوب، عبدالحسین. (فروردین ۱۳۵۷). «تصوف و ایران باستانی»، فرهنگ‌وهنر، هنرومردم»، ش ۱۸۶، ص ص ۳۱-۱۶.
- زرینکوب، عبدالحسین. (۱۳۷۶). روزگاران ایران، تهران، سخن، ۱۳۷۶.
- شاکد، شائل. (۱۳۸۱). از ایران زردشتی تا اسلام، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس
- شاله، فلیسین. (۱۳۵۵). تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه منوچهر خدایار محبی، تهران، طهوری، چاپ دوم
- شایگان، داریوش. (بهار و تابستان ۱۳۵۶). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، جلد یکم، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.

شکری فومشی، محمد. (۱۳۸۲). «مبانی عقاید گنوسی در مانویت»، نامه ایران باستان، سال ۳، شماره ۱، ص ۳۵-۶۶.

شووان، فریتیف. (۱۳۸۱). گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه مینو حجت، تهران، سهروردی، شاه‌حسینی، ناصرالدین. (۱۳۵۴). تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا دوره پهلوی، تهران، دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۵). الملل و النحل، تحقیق سیدمحمد گیلانی، جلد اول، بیروت، دار صعب

فتح‌الهی، علی و مسعود سپهوند. (۱۳۸۴). سر نهان؛ در مبانی تصوف و عرفان، خرم‌آباد، نویسنده فرای، ریچارد ن. (۱۳۸۶). میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی فرهنگی، چاپ سوم.

فولتس، ریچارد سی. (۱۳۹۰). گذار معنویت از ایران زمین، اسلام، ترجمه علی شهبازی، قم، ادیان قربانی، زین‌العابدین. (۱۳۷۰). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). ترجمه رساله قشیریه، تصحیح بدیع‌الزمان فروزان‌فر، تهران، علمی و فرهنگی

کالج، مالکوم. (۱۳۸۰). اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، هیرمند کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۴۵). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامحسین رشیدیاسمی، تهران، گلشن، چاپ سوم.

گیب، همیلتون. (۱۳۸۰). اسلام؛ بررسی تاریخی، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی فرهنگی گیرشمن، رومن. (۱۳۷۹). تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، جامی لوکاس، هنری. (۱۳۷۲). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان. لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ. (۱۳۷۲). تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت رضا، تهران، علمی فرهنگی

مادلونگ، ویلفرد. (۱۳۷۷). فرقه‌های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، اساطیر مبلغی‌آبادانی، عبدالله. (۱۳۷۶). تاریخ صوفی و صوفی‌گری، تهران، حر

- مدرسی، محمدتقی. (۱۳۹۶). مبانی عرفان اسلامی، ترجمه محمدجعفر صدیقی، تهران، اندیشه‌های اسلامی.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۴۳). ایران در عهد باستان، جلد اول، تهران، تربیت معلم و تحقیقات تربیتی معروف الحسنی، هاشم. (۱۳۶۹). بین‌التصوّف و التشیّع، ترجمه سیدمحمدصادق عارف، مشهد، آستان قدس رضوی
- منتظری، سیدسعیدرضا. (۱۳۸۹). زندیق و زندیق، تهران، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- میرزایی، صدرالدین. (۱۳۴۷). زندگی و تمدن در قرون وسطی، تهران، اقبال نفیسی، سعید. (۱۳۴۶). سرچشمه تصوف در ایران، تهران، چاپخانه مروی،
- نیکلسون، رینولد. (۱۳۸۸). تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن.
- ولسکی، یوزف. (۱۳۸۳). شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس
- ویدن گرن، گئو، مانی، ترجمه فیروز فیروزنیا، بی‌جا، دانشگاه آزاد ایران، بی‌تا.
- ویسهوفر، یوزف. (۱۳۷۷). ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس
- هجویری غزنوی، علی بن عثمان (۱۳۵۸). کشف‌المحجوب، تصحیح و ژوکوفسکی، تهران، طهوری
- هالم، هاینس. (۱۳۸۹). تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، قم، ادیان، چاپ دوم،
- هجویری، ابوالحسن. (۱۳۹۰). کشف‌المحجوب، تصحیح و تعلیقات محمد عابدی، تهران، سروش،
- هلینز، جان. (۱۳۷۹). شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، آویشن/چشمه، چاپ ششم.
- یثربی، سیدیحیی (۱۳۶۸). سیر تکاملی و اصول مسائل عرفان و تصوف، تبریز، دانشگاه تبریز
- عقوبی، احمد (۱۳۸۷). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی